



Original Article

Punitivness of the Avengers of Blood Based on Conditions and Circumstances Surrounding Premeditated Murder (Case Study of Premeditated Murder Cases in Tehran Province)

Shaghayegh Akbari¹, Ghasem Ghasemi² , Nasrin Mehra³, Mohammad Ali Mahdavi Sabet⁴

ABSTRACT

Numerous factors, including individual and social factors, may be related to the demand or non-demand of the right of punishment by avengers of blood. The purpose of this study is to investigate the relationship between the variables of murder method, precedent of decision and collective quarrel with the decision of the avengers of blood. The present research is conducted by survey method and Chi-square and Phi Kramer correlation tests were used. The statistical society is premeditated murder cases in Tehran occurred in March 2004 to September 2015 in Tehran and executed to September 2016 in which 100 cases were selected by convenience sampling method and SPSS software was used. According to the research findings, in cases where murder is considered cruel due to indicators such as the use of clubs and swords, inflicting more than two blows, sexual harassment of the victim and burning and amputation of the corpse, in %57/1 of cases leading to retribution, while in cases where the murder was not brutal, retaliation happen in only %24/6 and in %64/9 it has led to receiving blood money and in %8/8, it has led to free forgiveness. The analysis of the data finally led to the conclusion that there is a statistically direct and significant relationship between the decision of the avengers of blood and the method of committing the murder. The findings also showed that there is no significant relationship between the precedent of the killer's decision and also the mass conflict with the decision of the avengers of blood.

KeyWords: Punitivness, Murder Style, Premeditated Murder, Collective Quarrel, Brutal Murder.

How to Cite: Akbari, Shaghayegh, Ghasemi, Ghasem, Mehra, Nasrin, Mahdavi Sabet, Mohammad Ali, "Punitivness of the Avengers of Blood Based on Conditions and Circumstances Surrounding Premeditated Murder (Case Study of Premeditated Murder Cases in Tehran Province)", Legal Research, Vol. 27, No. 107, 2024, pp:19-40.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2022.226323.2134>

Received: 17/03/2022-Accepted: 13/07/2022

1. PhD, Faculty of Law, Theology & Political Sciences, Islamic Azad University: Science & Research Branch, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Faculty of Law, Theology & Political Sciences, Islamic Azad University: Science & Research Branch, Tehran, Iran

Corresponding Author Email: ghasem.ghasemi@srbiau.ac.ir

3. Professor of Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

4. Assistant Professor, Faculty of Law, Theology & Political Sciences, Islamic Azad University: Science & Research Branch, Tehran, Iran



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



مقاله علمی- پژوهشی

کیفرگرایی اولیای دم بر اساس چگونگی و شرایط پیرامونی قتل عمد (تحلیل موردی پرونده های قتل عمد در استان تهران)

شقایق اکبری^۱، قاسم قاسمی^۲، نسرین مهرا^۳، محمدعلی مهدوی ثابت^۴

چکیده

عوامل متعددی اعم از عوامل فردی و اجتماعی می توانند در مطالبه یا عدم مطالبه حق کیفر توسط اولیای دم در پرونده های قتل ارتباط داشته باشند. هدف از این نوشتار بررسی ارتباط متغیرهای کیفیت ارتکاب قتل، سبق تصمیم و نزاع دسته جمعی با تصمیم اولیای دم در پرونده های قتل عمد است. پژوهش حاضر به شیوه پیمایشی انجام شده و برای توصیف و تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و آزمون های همبستگی خی دو و فی کرامر استفاده شده است. جمعیت تحقیق، پرونده های قتل عمد استان تهران است که در فاصله اسفند ۱۳۸۳ لغایت شهریور ۱۳۹۴ در استان تهران رخ داده و تا شهریور ۱۳۹۷ مختومه شده است که ۱۰۰ پرونده به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و از نرم افزار SPSS به عنوان ابزار تحلیل اطلاعات استفاده شده است. مطابق با یافته های تحقیق، در مواردی که کیفیت ارتکاب قتل با استفاده از شاخص هایی نظیر استفاده از قمه و شمشیر، وارد کردن بیش از دو ضربه، آزار جنسی مقتول و سوزاندن و بریدن اعضای جسد، بی رحمانه محسوب گردیده است، در ۵۷/۱ درصد، پرونده ها منتهی به قصاص شده، در حالی که در مواردی که قتل بی رحمانه نبوده است، فقط در ۲۴/۶ درصد، قصاص صورت گرفته و در ۶۴/۹ درصد منتهی به دریافت خون بها و در ۸/۸ درصد نیز منتهی به بخشش رایگان شده است. واکاوی داده ها در نهایت به این نتیجه انجامید که میان تصمیم اولیای دم با شیوه ارتکاب قتل، به لحاظ آماری، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. یافته ها همچنین نشان داد که میان سبق تصمیم قاتل و نیز نزاع دسته جمعی با تصمیم اولیای دم ارتباط معناداری وجود ندارد.

کلید واژگان: کیفرگرایی، کیفیت ارتکاب قتل عمد، قتل با سبق تصمیم، قتل در اثنای منازعه، قتل بی رحمانه.

استناد به این مقاله: اکبری، شقایق، قاسمی، قاسم، مهرا، نسرین، مهدوی ثابت، محمدعلی، «کیفرگرایی اولیای دم بر اساس چگونگی و شرایط پیرامونی قتل عمد (تحلیل موردی پرونده های قتل عمد در استان تهران)»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۷، آبان ۱۴۰۳، صص: ۱۹-۴۰.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2022.226323.2134>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲

۱. دکتری، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
۲. استادیار، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
ایمیل نویسنده مسئول: ghasem.ghasemi@srbiau.ac.ir
۳. استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۴. استادیار، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

نگرش جامعه درباره مسئله مجازات تحت تأثیر عوامل متعدد خرد و کلان قرار دارد.^۱ دانش شهروندان درباره مسائل کیفری، اعتقادات مذهبی یا جایگاه اجتماعی آن‌ها عمیقاً بر داوری ایشان در خصوص مجازات تأثیرگذار است.^۲ ویژگی‌های فردی همچون جنسیت، سن، سطح تحصیلات، احساس ترس از جرم، کیفیت ارتکاب جرم، سابقه بزه‌دیدگی و باورهای نژادی نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار بر نگرش جامعه در خصوص واکنش‌های کیفری‌اند.^۳ در این حوزه، تمایل یا مخالفت افکار عمومی جامعه با انواع مجازات در مورد جرایم مختلف مورد سنجش قرار می‌گیرد تا ذائقه کیفری جامعه ارزیابی شود؛ اعم از اینکه پرسش‌شوندگان در تحقیقات پیمایشی، خود، بزه‌دیده جرمی واقع شده یا نشده باشند.

شناخت اراده کیفری جامعه زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که اساساً اختیار تعیین مجازات به دستان بزه‌دیده یا نزدیکان وی سپرده می‌شود. در این فرض، اراده اولیای دم به‌عنوان بخشی از جامعه مستقیماً در تعیین مجازات بزه‌کار نقش اساسی ایفا می‌کند. در واقع در این‌گونه موارد، اراده کیفری بزه‌دیده یا نزدیکان وی به شکل بدون واسطه، تعیین‌کننده میزان مجازات استحقاقی فرد خاطی است و نظام رسمی کیفری کاملاً رنگ می‌بازد. به‌عنوان مثال، در جرم قتل عمد، که قانون‌گذار جنبه خصوصی آن را بر جنبه عمومی غلبه بخشیده و از حیث جنبه خصوصی تصمیم‌گیری در مورد قاتل عمدی را با جمع شرایط قانونی و فقدان موانع قانونی به اولیای دم واگذار کرده است، پرسش اصلی این است در جایی که به اولیای دم چنین اختیاری داده شده است که شدیدترین مجازات، یعنی قصاص نفس، را برای قاتل انتخاب کند یا حتی بدون دریافت هیچ مبلغی وی را مورد بخشش رایگان قرار دهد، آن‌ها چه نوع کیفری را برای فرد خاطی برمی‌گزینند؟ براساس چه شرایط و اوضاع و احوالی، اولیای دم گرایش به مطالبه کیفر و اجرای قصاص پیدا می‌کند و در برخی موارد از حق قانونی و طبیعی خویش صرف‌نظر می‌کند؟ آیا میان اوصاف و ویژگی‌های قاتل، مقتول و اولیای دم از جمله سن، جنسیت، تابعیت آن‌ها، رابطه خویشاوندی میان قاتل و مقتول و سابقه کیفری قاتل با تصمیم اولیای دم ارتباط وجود دارد؟ وضعیت اقتصادی خانواده قاتل و اولیای دم به چه کیفیتی می‌تواند با مطالبه حق اجرای قصاص یا صرف‌نظر کردن از آن ارتباط داشته باشد؟ باورهای مذهبی و قومیتی چگونه؟ آیا کیفیت ارتکاب جرم و شرایط پیرامونی وقوع جرم از جمله سبق تصمیم و وجود نزاع دسته‌جمعی می‌تواند تصمیم اولیای دم را متأثر کند؟

نویسنده به این امر اذعان دارد که سنجش رفتار اولیای دم به‌عنوان بزه‌دیده غیرمستقیم جرم قتل عمد، اگرچه واجد وصف عمومیت سنجش افکار نیست، به این معنی که در این پژوهش نگرش جامعه در مطالبه اجرای مجازات‌های سنگین و از جمله قصاص نفس، به‌صورت کلی مورد سنجش قرار نمی‌گیرد، اما درعین حال، این اولیای دم بخشی از همان جامعه‌ای است که افکار آن جامعه در مورد مجازات‌های شدید سنجش می‌شود و در واقع فرد مورد سنجش در پژوهش حاضر بخشی از جامعه است که تجربه بزه‌دیدگی دارد و تصمیم آن‌ها در مطالبه اجرای قصاص مورد سنجش قرار گرفته است.

۱. نورپور، محسن، عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی و سید محمد جواد ساداتی، تحلیل جامعه‌شناختی تعامل میان سیاست کیفری رسمی و وجدان تنبیهی وجدان جمعی (مطالعه موردی افکار عمومی شهرستان مشهد در مجازات‌های شدید بدنی)، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، ۱۳۹۸، شماره ۲، ص ۱۵۵.

۲. پیشین.

۳. نورپور، محسن، عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی و سید محمد جواد ساداتی، تأثیر جنسیت بر میزان گرایش به اجرای مجازات‌های شدید جسمانی (مطالعه موردی: شهرستان مشهد)، مجله پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، ۱۳۹۹، شماره ۳۰، ص ۱۰۹.

پرواضح است که در این مقاله مجال پرداختن به تمامی عوامل مرتبط با تصمیم اولیای دم وجود ندارد؛ به همین دلیل پژوهش حاضر تلاشی برای پاسخ به این پرسش است که آیا میان کیفیت ارتکاب قتل بی‌رحمانه، وجود سبق تصمیم و نزاع دسته‌جمعی در حین قتل با گرایش اولیای دم به سمت اجرای قصاص ارتباط برقرار است؟ در واقع، این پژوهش به دنبال بررسی این مطلب است که متأثر از اخلاق تنبیهی، آیا لزوماً قتل‌های سرزنش‌آمیزتر و دارای قیاحت بیشتر از حیث شیوه قتل بی‌رحمانه یا ارتکاب قتل با سبق تصمیم یا در حین نزاع دسته‌جمعی، مجازات‌های سنگین‌تری دریافت کرده‌اند یا خیر؟ مقصود از اخلاق تنبیهی شیوه خاصی از پاسخگویی به نقض نظام هنجاری و ارزشی توسط وجدان جمعی است. اینکه وجدان جمعی چگونه به نقض ارزش‌های تعیین‌یافته خود پاسخ می‌دهد، انعکاس‌دهنده همان پدیده‌ای است که از آن با عنوان اخلاق تنبیهی یاد می‌شود.^۱ وجدان جمعی نیز مجموعه‌ای از احساسات، اعتقادات و باورهایی است که بخش‌های زیادی از جامعه درباره آن اشتراک نظر دارند.^۲ آنچه در اینجا مدنظر است، سنجش نظام کیفری غیررسمی یا همان واکنش جامعه، به‌ویژه بزه‌دیدگان در مورد ارتکاب جرم، خاصه شدت جرم ارتکابی است؛ امری که مشابه آن در نظام کیفری رسمی نیز وجود دارد.

یکی از اصول تعیین مجازات در نظام کیفری رسمی این است که نوع و میزان مجازات باید تابعی از شدت زشتی، ناپسندی و قیاحت فعل و قصد مجرمانه باشد.^۳ از این منظر، مجازات باید تابعی از استحقاق محکوم برای سرزنش شدن باشد که در نظام کیفری رسمی در قالب اصل اولیه و قدیمی تناسب جرم و مجازات^۴ دیده می‌شود و خاستگاه این اصل در نظریه سزادهی و عدالت استحقاقی^۵ است. مسئله این است که در نظام کیفری غیررسمی در برخی جرایم، از جمله قتل، نوع مجازات تعیین‌شده از سوی اولیای دم تابعی از استحقاق قاتل برای دریافت مجازات است؟ آیا در رخداد قتل عمد هرچه قاتل در رفتار ارتکابی و در ذهن، نقش و قصدی شروانه‌تر و رفتاری توأم با قساوت و بی‌رحمی بیشتری داشته باشد، اولیای دم پاسخی شدیدتر به قاتل خواهند داد؟

ضرورت پاسخ و تأمل در مورد عواملی که به نظر می‌رسید در مطالبه حق کیفر توسط اولیای دم به‌عنوان بزه‌دیده غیرمستقیم تأثیر داشته باشد، محقق را بر آن داشت که برای دستیابی به ارائه توصیفی، از آنچه در عمل در پرونده‌های قتل عمد رخ می‌دهد و در مرحله بعد برای بیان چرایی و تحلیل آنچه اتفاق می‌افتد، به پرونده‌های مختومه اجرای احکام مراجعه کند تا با مطالعه پرونده‌ها و حضور در جلسه‌های صلح و سازش شعبات اجرای احکام، حقیقت امر روشن و تمامی آنچه در پرونده منعکس می‌شود، استخراج شود. چراکه یقیناً بخش قابل توجهی از اطلاعات در پرونده اجرای احکام دادگستری موجود است که تمامی اقدامات مقامات قضایی از روز وقوع قتل یا روز اطلاع از وقوع قتل تا روز اجرای حکم، اعم از آزادی یا قصاص قاتل، در پرونده مضبوط است؛ ضمن اینکه بخش قابل توجهی از اظهارات قاتل و خانواده وی و اولیای دم در جریان مذاکره به‌منظور اجرا یا عدم اجرای قصاص نفس در پرونده منعکس بوده و در تمام مواردی که دو طرف پرونده در شعب اجرای احکام حضور دارند، قاضی اجرای احکام به تنظیم صورت‌جلسه مکلف بوده است.

^۱ نوریور، محسن، عبدالرضا جوان جعفری بخوردی و سید محمد جواد ساداتی، پیشین، ص ۵۳۴.

^۲ Garland, David, *Punishment and modern society: A study in social theory*, University of Chicago Press, 2012.

^۳ مهر، نسرن، تأثیر مشخصه‌های جرم بر تعیین مجازات، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۸، شماره ۸۸، ص ۶۳.

^۴ Proportionality of offence and punishment

^۵ Just deserts

^۶ رحمدل، منصور، *تناسب جرم و مجازات*، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۴.

۱. مبانی نظری پژوهش

ریشه کیفرگرایی از کلیدواژه یونانی Poena به معنای «ارزش خون‌ریخته شده» یا به تعبیری خون‌بهاست که درحقیقت به معنای انتقام و سزای عمل انجام شده است.^۱ برخی نیز کیفرگرایی را به معنای اعمال مجازات برای خون‌خواهی می‌دانند.^۲ در تعریف دیگری چنین آمده که کیفرگرایی میل باطنی به اعمال کیفر علیه بزهکار به دلیل خطایی است که از سوی او سر زده است؛ خواه در راستای بازدارندگی و سلب توان بزهکاری و خواه رنج دادن او به تناسب خسارتی که از عملش به بار آمده است.^۳ در این پژوهش این تعریف از کیفرگرایی مدنظر است.

به دلیل پیچیدگی مفهومی و ابهام در مصادیق «کیفرگرایی» نویسندگان تمایلی به ارائه تعریف از آن ندارند.^۴ در تعریف دیگری کیفرگرایی «تمایل افراطی به کیفر و سازوکارهای کیفری در پاسخ به رفتار مجرمانه یا منحرفانه» تعریف شده است.^۵ قید افراطی موجب می‌شود تا این انتخاب و رفتار تا حد غیرافراطی آن، منطقی و معقول تلقی شود، اما اگر توسل به کیفر و سازوکارهای کیفری به صورت افسارگسیخته استفاده شود، گفته می‌شود، چنین جامعه‌ای با چنین مختصاتی «کیفرگرا»^۶ است.^۷ کیفرگرایی اصطلاحی جامعه‌شناختی - جرم‌شناختی است که تعریف آن نیازمند بررسی نشانه‌های کیفرگرایی در جامعه‌ای مشخص و در یک برش زمانی خاص با تکیه بر ملاحظات تجربی و آماری است.^۸ از منظر بنیان‌شناسانه، کیفرگرایی را در دو سطح حکومتی و عمومی می‌توان مورد مطالعه قرار داد.^۹

برخی مفهوم کیفرگرایی را به پیازی تشبیه می‌کنند که دارای لایه‌های مختلفی است.^{۱۰} براساس این الگو، لایه نخست بیانگر نقل‌قول‌های مرسوم در پیام‌های رسانه‌ای و مباحث سیاسی در زمینه کیفر است. لایه میانی نمایانگر کیفرگرایی قضایی یا دولتی است که در آرای محاکم جلوه‌گر می‌شود و لایه درونی حاکی از عقاید افراد، دیدگاه‌ها و ارزش‌هایی است که براساس آن، مجازات را تعبیر و تفسیر می‌کنند که درحقیقت، کیفرگرایی در مباحث جرم‌شناسی بیشتر متمرکز بر لایه نهانی این حلقه پیچیده است.^{۱۱} به تعبیری دیگر، کیفرگرایی از دو دیدگاه عینی و ذهنی قابل بررسی است. دیدگاه عینی کیفرگرایی را مقوله‌ای سیاسی-اجتماعی دانسته که به فراخور هر نظام سیاسی می‌تواند کمابیش در کنترل کیفری

۱. نیکوکار، حمیدرضا، شهلا معظمی و پروین ستار، مطالعه تطبیقی الگوهای بازنمایی بزهکاری در مطبوعات ایران و آلمان با

تأکید بر کیفرگرایی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۵۰، ۱۳۹۹، شماره ۲، ص ۵۵۲.

۲. همان.

۳. Kury, H; Ferdinand, T N. and Oberfell-Fuchs, J “Does severe punishment mean less criminality?”, *International Criminal Justice Review*, Vol. 13, 2002, pp 110-148.

۴. غلامی، حسین، کیفرگرایی: مفهوم و گونه‌های آن، در: حسین غلامی (به کوشش)، علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی، مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلنباخ، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۵، ص ۳۶۱.

۵. میرسعیدی، منصور و حسین محمد کوره‌پز، نقش رهبران سیاسی - اجتماعی در سطح کیفرگرایی عمومی (مطالعه موردی کیفر مرگ)، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، ۱۳۹۸، شماره ۱، ص ۱۸۹.

۶. Punitive

۷. همان، ص ۱۹۰.

۸. همان.

۹. Kutateladze, Besiki, *Measuring State Punitiveness in the United States*, in: Kury, Helmut and Shea, Evelyn, *Punitivity: International Developments*, vol 1, Universitätsverlag Dr. N. Brockmeyer, 2011, P 159.

۱۰. Adriaensse, An and Aertsen, Ivo, “Punitive attitudes: Towards an operationalization to measure individual punitivity in a multidimensional way”, *European Journal of Criminology*, Vol. 12(1), 2014, p 93.

۱۱. Ibid.

ظهور کند و دیدگاه ذهنی این پدیده را مؤلفه‌های فرهنگی می‌داند.^۱ از این رو، بسیاری از پژوهشگران نگرش سختگیرانهٔ عموم مردم دربارهٔ پدیدهٔ جنایی را به‌عنوان کیفرگرایی فرهنگی، موضوعی که با جامعه‌شناسی کیفری پیوند دارد، تلقی می‌کنند و مورد پژوهش قرار می‌دهند؛^۲ پیوندی که بیانگر تأثیر افکار عمومی بر ظهور قوانین کیفری، رویهٔ قضایی و اجرای کیفر است.^۳ از این منظر «کیفرگرایی ذهنی یا فرهنگی» و «هستهٔ درونی کیفرگرایی» پیوند ذاتی با جامعه‌شناسی کیفری به معنی نقش خواست عمومی جامعه و واکنش آن دربارهٔ بزهکاری و تأثیر آن بر رویه‌های کیفرگرایی دارد.^۴ منظور از کیفرگرایی فرهنگی این است که تمایل به استفاده از کیفر و شیوهٔ سرکوبگرانه در پاسخ به جرایم در میان مردم، برای کنترل جرایم و اعمال دقیق عدالت به‌صورت یک باور و عادت درآید.^۵ بنابراین کیفرگرایی فرهنگی به افکار عمومی مردم در زمینهٔ نقش مؤثر کیفر و کیفردهی بیشتر برمی‌گردد.^۶ این امر از آن نظر مخاطره‌آمیز است که اساساً عوام درک دقیقی از اهداف کیفر، تأثیر آن‌ها بر پیشگیری از جرم و نیز اندیشه‌ها و راهبردهای نوین کیفردهی، همچون عدالت ترمیمی و پاسخ‌های جامعه‌مدار ندارد و عمدهٔ توجه آنان حول محور اندیشه‌های سزادهی و بازدارندگی است؛ چراکه بخش عمده‌ای از درک و دریافت عوام متأثر از تجربیات شخصی و نقل قول‌های مرسوم است.^۷

از منظر کیفرگرایی فرهنگی، عوامل متعددی اعم از عوامل فردی و اجتماعی می‌توانند در گرایش شهروندان و از جمله بزه‌دیده و نزدیکان وی در گرایش به مطالبه و استفاده از حق کیفر نقش داشته باشند که در ذیل پیشینهٔ تجربی، به این عوامل و پژوهش‌های انجام‌شده اشاره می‌شود.

۲. پیشینهٔ تجربی پژوهش

در سطح کیفرگرایی فرهنگی، عوامل مؤثر بر کیفرگرایی را می‌توان در دو دستهٔ عوامل فردی و اجتماعی قرار داد.^۴ از جمله عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان کیفرگرایی می‌توان به باورهای مذهبی شهروندان اشاره کرد. برای مثال، در اکثر کشورهای اسلامی آشکارا این باور قابل مشاهده است که مجازات مرگ در مورد برخی جرایم، از فرامین روشن و غیرقابل تغییر الهی است. به‌عنوان نمونه، شهروندان در کشورهای اسلامی کیفرهایی چون قصاص را حکم خداوند تلقی و به علت جو التهابی ناشی از وخامت عمل مجرمانه، خانوادهٔ مقتول و اطرافیان، بر لزوم اعمال قصاص تأکید می‌کنند.^۸ استقبال عمومی از مجازات اعدام علنی که گاه همراه با حضور چند صد یا چند ده هزار نفری است، فقط بیانگر تمایل اجتماع به اجرای عدالت نیست، بلکه به نحوی، بیانگر کیفردوستی و تمایل عمومی به سیراب کردن عطش انتقام و تغذیه

^۱ کیفرگرایی به تعبیری به تقنینی، قضایی، اجرایی و فرهنگی تقسیم می‌شود. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: غلامی، حسین، **کیفرگرایی: مفهوم و گونه‌های آن**، پیشین.

^۲ در این پژوهش مقولهٔ کیفرگرایی فرهنگی و هستهٔ درونی کیفرگرایی مورد توجه قرار گرفته است.

^۳ نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی، **دانشنامه جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷، ص ۲۱۴.

^۴ نیکوکار، حمیدرضا، شهلا معظمی و پروین ستار، پیشین، ص ۵۵۳.

^۵ مرادی پسند، گلناز، تهمورث بشیریه، و حسین غلامی دون، **بررسی تطبیقی جلوه‌های کیفرگرایی در نظام‌های حقوقی و تاثیر**

آن بر الگوهای کیفرزدا؛ فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، دوره چهاردهم، ۱۴۰۰، شماره ۵۱، ص ۱۹۹.

^۶ همان.

^۷ نیکوکار، حمیدرضا، شهلا معظمی و پروین ستار، پیشین، ص ۵۵۴.

^۸ مرادی پسند، گلناز، تهمورث بشیریه، و حسین غلامی دون، پیشین، ص ۲۰۰.

تمایل به خشونت در ملاعام نیز هست.^۱ در چنین جامعه‌ای که بزهدکار مورد حمایت مردم قرار می‌گیرد، زمانی که از سیاست کیفرزدایی سخن به میان می‌آید، مردم فکر می‌کنند که از خطای مرتکب چشم‌پوشی و به او اجازه داده می‌شود هرگونه که بخواهد در جامعه رفتار کند.^۲

البته باور به مجازات‌های بدنی شدید، نظیر اعدام، به صورت یکسان در میان شهروندان دیده نمی‌شود.^۳ به عنوان نمونه، براساس پژوهشی که در دانشگاه تربیت معلّم تهران انجام شد، حتی در بین کسانی که در سطوح بالای دین‌داری قرار داشتند، اتفاق نظر در خصوص تحمیل این مجازات‌ها وجود نداشته است.^۴ در پژوهش قاسمی، که با هدف نگرش‌سنجی نسبت به مجازات‌های شرعی در ایران انجام شده است، دانشجویان در مقایسه با طلبان تمایل کمتری به مبنا قرار دادن شرع برای نظام حقوقی دارند. همچنین، وکلا کمتر از قضات و نیروهای پلیس به مجازات‌های بدنی تمایل دارند.^۵

مطابق نتایج تحقیقی که در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در ایران انجام شده است، افکار عمومی درباره جرمی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، حساسیت بیشتری از خود بروز می‌دهد.^۶ براساس یافته‌های پیمایشی که در خصوص تعامل بین مجازات ادراکی، شدت و ارتباط آن با عقاید و فرهنگ اسلامی در ایران انجام شده است، دانشجویان در مقایسه با دیگر اقشار جامعه، موافقت کمتری درباره مجازات‌های خشن بدنی نظیر اعدام داشته‌اند؛ به علاوه زنان در مقایسه با مردان، کمتر با مجازات قصاص نفس در قتل عمد و قطع انگشتان دست در سرقت حدی موافق بوده‌اند.^۷

از طرفی ویژگی‌های فردی مانند جنسیت، سن، میزان تحصیلات، سابقه بزه‌دیدگی و غیره در شمار عوامل تأثیرگذار بر میزان کیفرگرایی هستند.^۸ در کشورهایی که مجازات مرگ را لغو کرده‌اند، نیز سن به عنوان یک عامل مهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش‌ها در این جوامع نشان می‌دهند، نسل جدید که بدون اعدام، اجتماعی می‌شوند، در مقایسه با بزرگ‌ترها تمایل کمتری به اعدام دارند.^۹ براساس پژوهشی که در ایران درباره جدی‌انگاری جرم از دو طبقه جوان و بزرگسال صورت گرفته، به اثبات رسیده است که افراد جوان جرایم را در مقایسه با بزرگ‌ترها کمتر جدی می‌گیرند.^{۱۰}

۱. غلامی، حسین، **الغاگرایی و کنترل جرم، تناقض در اصطلاحات**، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۷، صص ۳۴۸-۳۳۴.

۲. مرادی پسند، گلناز، تهمورث بشیریه، و حسین غلامی دون، پیشین، ص ۲۰۱.

۳. نورپور، محسن، عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی و سید محمد جواد ساداتی، **تأثیر جنسیت بر میزان گرایش به اجرای مجازات‌های شدید جسمانی (مطالعه موردی: شهرستان مشهد)**، پیشین، ص ۱۱۴.

۴. جعفری، احمد و سید حسین سراجزاده، **جرم و مجازات: مقایسه مجازات‌های اجتماعی پیشنهادی نمونه ای از دانشجویان با قوانین مجازات در ایران**، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، ۱۳۹۰، شماره ۵ و ۶.

۵. Ghassemi, Ghassem, "Criminal punishment in Islamic societies: empirical study of attitudes to criminal sentencing in Iran", *European Journal of Criminal Policy and Research*, 2009, vol. 15, p 173.

۶. Serajzadeh, SeyedHossein. (2008). "Social determinants of the seriousness of crime: an examination of a Muslim sample", *Social Compass*, 55, no. 4.

۷. Ghassemi, Ghassem, "Criminal punishment in Islamic societies: empirical study of attitudes to criminal sentencing in Iran", *European Journal of Criminal Policy and Research*, 2009, vol. 15.

۸. محمودی جانکی، فیروز و محسن مرادی حسن آبادی، **افکار عمومی و کیفرگرایی**، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، ۱۳۹۰، شماره ۲، ص ۱۸۹.

۹. هود، راجر و هویل، کرولین، **مجازات مرگ**، فراز شهلائی، تهران: انتشارات نگاه بینه، چاپ اول، ۱۳۹۱.

۱۰. قاضی نژاد، مریم و مینا ذبیحی، **نسل و جدی‌انگاری جرم**، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، ۱۳۹۴، شماره ۱.

میزان تحصیلات نیز می‌تواند از عوامل فردی مؤثر بر کیفرگرایی باشد. نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد که با بالا رفتن سطح تحصیلات، میزان کیفرگرایی در افراد کاهش می‌یابد. رشته تحصیلی افراد و محتوای برنامه‌های آموزشی نیز، احتمالاً بر نگرش آنها نسبت به کیفر تأثیر می‌گذارد.^۱

از جمله پژوهش‌های پیمایشی که به‌ویژه در زمینه قتل عمد صورت گرفته است، پیمایشی است که به بررسی وجود و فقدان سبق‌تصمیم و تأثیر آن بر افکار جامعه اشاره می‌کند. این پیمایش درباره قتل با تصمیم قبلی، نشان می‌دهد که دیدگاه اکثر نمونه آماری موافق با اعدام است؛ به عبارتی ۷۱ درصد از مردان و ۷۰ درصد از زنان مجازات اعدام درباره قتل با سوءنیت قبلی را عادلانه می‌دانند؛ در حالی که فقط ۴ درصد از زنان و ۸ درصد از مردان موافق اجرای اعدام در ملاءعام برای قتل بدون قصد قبلی بوده‌اند.^۲

بر اساس آنچه گذشت، در ایران پژوهش‌هایی در زمینه ارزیابی میزان کیفرگرایی عمومی در مجازات‌های متعدد انجام شده، لیکن پژوهش‌ها در غالب موارد به‌طور کلی ناظر بر مجازات‌های شدید بدنی و به‌طور کلی سالب حیات بوده است، نه به‌صورت ویژه در مورد قصاص نفس. از طرفی، عمده پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه که به آن‌ها اشاره شد، ناظر به افکار سنجی عمومی بوده است؛ با این توضیح که در اغلب پیمایش‌های مورد اشاره، نحوه نگرش افکار عمومی درباره مجازات‌های سخت و شدید بدنی، مورد پرسش واقع شده است؛ حال آنکه صرف‌نظر از اینکه در پیمایش‌ها، نحوه طرح سؤال و نوع گزینه‌های در دسترس و تکمیل پرسش‌نامه و عوامل متعددی ممکن است نتایج پیمایش را تغییر دهد. همچنین در فرضی که فرد مورد پرسش، شخصاً بزه‌دیده جرمی قرار گرفته باشد، نتایج این پیمایش ممکن است متفاوت باشد؛ ضمن اشاره به این موضوع که موضوع پیمایش کماکان نظرسنجی و سنجش افکار است؛ خواه پرسش‌شونده از عموم جامعه باشد، خواه بزه‌دیده و نزدیکان او. در حالی که موضوع پژوهش حاضر واقعیت‌سنجی است و نوع تصمیم‌نهایی اجراشده نزدیکان بزه‌دیده، با توجه به چگونگی وقوع قتل ارزیابی شده است و انجام دادن چنین امری نیازمند داده‌های عینی و تجربی بوده که از مطالعه پرونده‌های قتل عمد حاصل شده است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با رویکردی جامعه‌شناختی به مطالب حق کیفر از سوی اولیای دم در خصوص جرم قتل عمد به‌طور جزئی و بر اساس چگونگی و شرایط پیرامونی قتل بپردازد و مستند به محتویات و مندرجات پرونده‌های قتل عمد مختومه در دادسرای جنایی تهران، ارتباط میان کیفیت ارتکاب قتل، وجود سبق‌تصمیم و وجود منازعه با تصمیم اولیای دم را مورد سنجش قرار دهد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش بر اساس بینش اثباتی-تجربی و نیز توجه به این مسئله که در پژوهش اثبات‌گرا و کمی، دانش از طریق گردآوری داده‌های عددی و مشاهده‌ی نمونه‌ها و سپس عرضه این داده‌ها به تحلیل عددی فراهم می‌شود، از رویکرد تعمیمی، پنهانگر یا کمی استفاده شده است. به این ترتیب پس از جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک‌های آماری برای ایجاد و توصیف الگوهای عددی و رابطه‌هایی که بین داده‌ها وجود دارد، استفاده شده است.

از آنجاکه در این پژوهش با مطالعه نمونه آماری از پرونده‌های قتل عمد، از میزان اجرای قصاص یا دریافت خون‌بها یا

۱. اکبری، عاطفه، *قانونگذاری مبتنی بر وقایع مجرمانه*، تهران: مجد، ۱۳۹۴، ص ۱۸۹.

۲. نیکوکار، حمیدرضا، مژگان امراللهی بیوکی و مهدی بزرگر، *نقش ترس از جرم بر اجرای علنی مجازات مرگ با تأکید بر نقش رسانه‌ها (مطالعه موردی اعدام قاتل روح‌الله داداشی)*، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۸، ۱۳۹۲، شماره ۲۶، ص ۱۶۹.

بخشش رایگان، براساس متغیرهای مستقل مورد بررسی، توصیفی کمی و عددی به عمل آمده است، بنابراین روش اتخاذ شده از نوع پیمایش است و از روش‌های توصیفی مانند فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار برای توصیف داده‌ها و از آزمون خی دو و فی کرامر به وسیله نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. سطح معناداری آزمون‌ها کمتر از ۰/۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد در نظر گرفته شده است.

جامعه آماری پرونده‌های قتل عمد استان تهران است که در فاصله اسفند ۱۳۸۳ لغایت شهریور ۱۳۹۴ در استان تهران رخ داده و تا شهریور ۱۳۹۷ مختومه شده است که تعداد ۱۰۰ پرونده به عنوان حجم نمونه آماری تعیین شد.^۱ برای تعیین افراد نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. پژوهشگر به منظور دسترسی به پرونده‌ها، به تمام ۵ شعبه از شعبه‌های اجرای احکام مستقر در دادسرای جنایی تهران مراجعه کرد که تمامی پرونده‌های قتل عمد رخ داده در استان تهران برای اجرا به این شعب ارسال می‌شود. ارجاع به پنج شعبه متفاوت، از حیث ایجاد تنوع در انتخاب نمونه‌ها و قابلیت تعمیم بیشتر داده‌ها صورت گرفته است. تعداد نمونه آماری ۱۰۰ پرونده قتل عمد است که ۳۸ پرونده به قصاص نفس، ۴۹ پرونده به دریافت خون‌بها، ۱۱ پرونده به بخشش رایگان و ۲ مورد به فوت در زندان منتهی شده است.

متغیر وابسته در این پژوهش تصمیم اولیای دم در مورد سرنوشت قاتلان عمدی است. متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: کیفیت ارتکاب قتل عمد، وجود یا فقدان سبق تصمیم و همچنین نزاع دسته‌جمعی در حین قتل عمد.

فرضیه پژوهش حاضر این است که میان کیفیت ارتکاب قتل عمد، وجود یا فقدان سبق تصمیم و همچنین نزاع دسته‌جمعی در حین قتل عمد با مطالبه کیفر از ناحیه اولیای دم ارتباط معنادار برقرار است.

۴. ارتباط چگونگی و شرایط پیرامونی قتل با تصمیم اولیای دم

در حقوق کیفری ایران، مجازات قتل عمد اصالتاً قصاص است؛ به این معنی که برخلاف سایر نظام‌های کیفری که مجازات قتل عمدی، برحسب سبق تصمیم، هیجان، التفات یا عدم التفات مرتکب به پیامدهای جرم ارتكابی درجه بندی شده است، مجازات قتل عمدی در ایران قصاص نفس است و هیچ‌یک از موارد مذکور موجبی برای تخفیف یا تبدیل نخواهد بود.^۲ لذا ثابت بودن مجازات قصاص، به منظور تبعیت نظام کیفری ایران از شرع و نظام اسلامی، موجب عدم ترتیب اثر دادن به کیفیات وقوع قتل در نظام کیفری ایران در خصوص قتل عمد شده است. از طرفی با توجه به این امر که با جمع

^۱ به علت عدم ارائه آمارهای رسمی در خصوص تعداد پرونده‌های قتل عمد مختومه شده در استان تهران و مشخص نبودن جامعه آماری، مبنای محاسبه حجم نمونه آماری، براساس فرمول کوکران ۳۸۴-۳۸۵ تعداد پرونده در نظر گرفته شد. لیکن متأسفانه به علت دشواری دسترسی به پرونده‌ها و عدم امکان مطالعه آن‌ها حتی به تعداد محدود، به دلیل فضای حاکم بر دادسرای مربوطه، علی‌رغم تلاش‌های پژوهشگر، امکان مطالعه این حجم نمونه میسر نشد؛ به نحوی که مطالعه ۱۰۰ پرونده نیز، از اسفند ۹۵ تا شهریور ۹۷، یعنی حدود یک سال و هفت ماه به طول انجامید. از نظر توجیه آماری، با توجه به اینکه در پژوهش‌های اجتماعی همواره محدودیت‌هایی از قبیل نیروی انسانی ماهر، زمان کافی، هزینه و اعتبار و عدم همکاری ارگان‌های قضایی و اداری مربوط وجود دارد، گاهی به محقق اجازه داده می‌شود که اندازه نمونه را بر حسب شرایط و امکانات پژوهش انتخاب کند. در حال حاضر در مجموع درست است که حجم نمونه آماری حاضر ۱۰۰ پرونده بوده و از فرمول کوکران تخطی شده است، لیکن براساس قاعده کلی که حداقل حجم نمونه در تحقیق پیمایشی ۱۰۰ عدد است، به ناچار به همین تعداد بسنده شده است. در نهایت محقق با علم به محدودیت‌های پژوهش انجام شده و نیز توجه به پیچیدگی و چندبعدی بودن موضوع مورد بررسی، ادعایی در تعمیم‌دهی این داده‌ها به تمام پرونده‌های قتل عمد نداشته و ندارد و صرفاً الگوی حاکم بر این ۱۰۰ پرونده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

^۲ سلیمانی میمندی و روح الامینی، نجمه، محمود امینی زاده، و حمید امینی زاده، بررسی قتل عمد در حقوق ایران و کانادا، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره پنجم، ۱۳۹۸، شماره ۴۹، ص ۶۱.

شرایط قانونی، نوع مجازات قاتل عمدی را اولیای دم تعیین می‌کنند، لذا پرسشی که ذهن پژوهشگر را درگیر کرده بود، این بود که آیا در مقام تصمیم‌گیری توسط اولیای دم، کیفیات وقوع قتل تأثیرگذار بوده‌اند یا خیر؟ در این خصوص، ارتباط میان کیفیت وقوع قتل، وجود یا فقدان سبق تصمیم و درنهایت ارتباط میان وجود یا فقدان نزاع دسته‌جمعی در حین قتل با تصمیم اولیای دم مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۴.۱. شاخص‌های تعریف کیفیت ارتکاب قتل و ارتباط آن با تصمیم اولیای دم

برای سنجش ارتباط میان کیفیت وقوع قتل و گرایش اولیای دم به مطالبه کیفر، محقق تلاش کرده است تا از مفاهیم قتل بی‌رحمانه و غیربی‌رحمانه استفاده کند؛ هرچند نویسنده اذعان دارد که صرف وقوع قتل با هر نوع کیفیتی همراه با درجاتی از بی‌رحمی است. با توجه به انتزاعی بودن مفهوم قتل بی‌رحمانه و امکان برداشت‌های متفاوت از این مفهوم، محقق کوشیده است تا با توجه به صورت‌جلسات تنظیمی در اجرای احکام دادسرای جنایی تهران، با اتکا بر اظهارنظرهای اولیای دم درخصوص دلیل انجام دادن قصاص یا صرف‌نظر کردن از قصاص، با استفاده از مفاهیم عینی، شاخص‌هایی برای این مفهوم انتزاعی تعیین کند.

۴.۱.۱. شاخص‌های تعریف شیوه قتل

پژوهشگر برای ارائه مفهوم دقیقی از عنوان «بی‌رحمانه» و خارج کردن این عنوان از کیفیت انتزاعی، براساس صورت‌جلسات حاوی درخواست‌های اولیای دم که در پرونده‌های مورد مطالعه موجود بوده است، کوشید تا شاخص‌هایی را برای تعریف مفهوم «کیفیت قتل بی‌رحمانه» استخراج کند. علت درنظرگرفتن این شاخص‌ها، به‌منظور سنجش بی‌رحمانه بودن قتل، درواقع اظهارات اولیای دم درمورد این شاخص‌ها در صورت‌جلسات اجرای احکام بوده است؛ بدین توضیح که در پرونده‌های مربوطه، اولیای دم با اشاره به تعابیری از جمله مثله کردن، تکه‌تکه کردن، آزار جنسی دادن مقتول، نوع ابزار به‌کار گرفته شده برای قتل و تعداد ضربات وارده، علت انتخاب تصمیم خویش برای اجرای قصاص را خاطر نشان کرده‌اند. بدین ترتیب، آنچه به‌عنوان شاخص برای بی‌رحمانه بودن قتل در نظر گرفته شده است، از زاویه نگاه اولیای دم و دنیای ذهنی ایشان است؛ زیرا آن‌ها هستند که با توجه به فاکتورهای متعدد، از جمله شیوه قتل، درخصوص سرنوشت قاتل تصمیم‌گیری می‌کنند. توضیح اینکه آنچه در صورت‌جلسات فوق‌الذکر به‌عنوان بی‌رحمانه بودن قتل از منظر اولیای دم توصیف می‌شد، در ۴ شاخص ارائه‌شده، فهرست شده است. در ادامه به‌طور خلاصه به تعدادی از پرونده‌ها و شاخص مطرح‌شده از نگاه اولیای دم اشاره می‌شود:

۱. پرونده شماره ۱۴: اولیای دم درخواست اجرای قصاص داشته، اما عنوان می‌دارند که ما توانایی پرداخت تفاضل دیه را نداریم. آن‌ها اظهار می‌دارند که قتل فجیع بوده و قاتل با بی‌رحمی فرزند آن‌ها را به قتل رسانده است. «این نامرد به فرزند ما تجاوز کرده است.» (شاخص آزار جنسی مقتول)
۲. پرونده شماره ۱۹: اولیای دم طی نامه‌ای خواستار قصاص قاتل شده و اعلام می‌دارند که او با بی‌رحمی تمام و با قمه، فرزند ما را کشته و او را به بیمارستان نرسانده است. (شاخص استفاده از قمه و شمشیر)
۳. پرونده شماره ۲۶: مادر متوفی به‌عنوان تنها ولی دم اظهار داشته است: «تحت هیچ شرایطی گذشت نمی‌کنم و قصاص هر دو را می‌خواهم و خواستارم که دیه صدماتی که به مقتول وارد کرده‌اند، با تفاضل دیه محاسبه و تهاتر شود. آنها با بی‌رحمی تمام، چند ضربه چاقو به فرزند من زده‌اند.» (شاخص تعدد ضربات)

۴. پرونده شماره ۶۶: در این پرونده در هیچ‌یک از اوراق پرونده تمایلی از طرف اولیای دم (پدر و مادر مقتول) در جهت دریافت دیه مطرح نشده بود. اولیای دم اظهار داشته‌اند: «دلماں از این می‌سوزد که حتی جسد را سالم نگذاشته و آن را سوزانده است. تقاضای قصاص داریم و از خون فرزندان نمی‌گذریم.» (شاخص سوزاندن جسد) با عنایت به توضیحات مطروحه، وجود هریک از شاخص‌های زیر به منزله بی‌رحمانه بودن قتل در نظر گرفته شده است:

- ۱- در فرضی که وسیله به کار گرفته شده، قمه و شمشیر بوده است.
- ۲- در فرضی که تعداد ضربات وارده به مقتول بیش از دو ضربه بوده است.
- ۳- در فرضی که قتل توأم با آزار جنسی مقتول بوده است.
- ۴- در فرضی که بریدن اعضا و سوزاندن جسد رخ داده است.

بر اساس داده‌های حاصل از مطالعه پرونده‌ها، نوع وسیله به کار گرفته شده در قتل به شش گروه تقسیم شده است که بدین شرح است: انواع چاقو، قمه و شمشیر، اسلحه گرم، سم، اعضای بدن نظیر دست‌وپا، جسم سخت اعم از میله آهنی و سنگ که فراوانی استفاده از هریک از وسایل، به شرح جدول شماره ۱ مشخص است.

جدول شماره ۱: میزان وسیله به کار گرفته شده در قتل

وسیله به کار گرفته شده	چاقو	قمه و شمشیر	اسلحه گرم	سم	اعضای بدن	جسم سخت	داده معتبر
فراوانی درصد معتبر	۶۰	۴	۲	۱	۱۹	۱۳	۹۹
	٪ ۶۰/۶	٪ ۴	٪ ۲	٪ ۱	٪ ۱۹/۲	٪ ۱۳/۱	٪ ۱۰۰

داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی آلت قتاله با میزان ۶۰/۶ درصد متعلق به چاقو است؛ بدین معنی که بیش از نیمی از قتل‌ها با استفاده از چاقو صورت گرفته است. اعضای بدن نظیر دست‌وپا که برای خفگی مورد استفاده قرار گرفته است، دارای فراوانی ۱۹/۲ درصد است که بیشترین فراوانی پس از چاقو و کمترین فراوانی مربوط به استفاده از سم با ۱ درصد فراوانی است.

جدول شماره ۲: تعداد ضربات

تعداد ضربات	دو ضربه و کمتر	سه ضربه و بیشتر	میانگین ضربات	کمترین تعداد ضربه	بیشترین تعداد ضربه	داده معتبر
فراوانی درصد معتبر	۶۳	۳۶	۲/۶	۱	۱۸	۹۹
	٪ ۶۳/۶	٪ ۳۶/۴	-	-	-	٪ ۱۰۰

در مورد تعداد ضربات وارده در ابتدا باید مطرح کرد که ۹۹ داده معتبر وجود دارد. میانگین ضربات وارده ۲/۶ و بیشترین فراوانی متعلق به یک ضربه است. کمترین میزان ضربه وارده ۱ و بیشترین ضربه وارده ۱۸ ضربه بوده است. اگر تعداد ضربات وارده کمتر از سه ضربه را در یک گروه یا کد یک و تعداد ضربات سه و بالاتر را در گروه دوم یا کد دو قرار دهیم، داده‌های جدول شماره ۲ حاکی است که در اکثریت موارد، میزان ضربه وارده به مقتول دو ضربه و کمتر بوده است.

جدول شماره ۳: وجود یا فقدان آزار جنسی مقتول

متغیر	قتل توأم با آزار جنسی مقتول	قتل بدون آزار جنسی مقتول	داده معتبر
فراوانی	۹۴	۶	۱۰۰
درصد معتبر	% ۹۴	% ۶	% ۱۰۰

از دیگر مفاهیم عینی و قابل سنجش برای تعریف قتل بی رحمانه، براساس صورت جلسات تنظیمی در دادسرای جنایی تهران، آزار جنسی مقتول قبل از قتل بوده است. موارد آزار جنسی مقتول، فارغ از جنسیت مقتول و قاتل در نظر گرفته شده است. لذا ممکن است مقتولی که مورد آزار جنسی قرار گرفته است، زن یا مرد و به همین ترتیب قاتل آزاررسان زن یا مرد بوده باشد.

اطلاعات جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که در موارد بسیار اندکی، قاتل قبل از قتل مبادرت به آزار جنسی مقتول کرده است.

جدول شماره ۴: نحوه رفتار با جسد

نحوه رفتار با جسد	رها کردن بدون هیچ اقدامی	دفن کردن	سوزاندن	بریدن اعضای بدن	داده معتبر
فراوانی	۸۵	۲	۵	۷	۹۹
درصد معتبر	% ۸۵/۸	% ۲	% ۵/۱	% ۷/۱	% ۱۰۰

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد در موارد قابل توجهی، که ۸۵/۸ درصد است، جسد بدون اینکه اقدامی بر آن انجام شود، رها شده است و در ۱۲/۲ درصد، مقتول سوزانده یا مثله شده است.

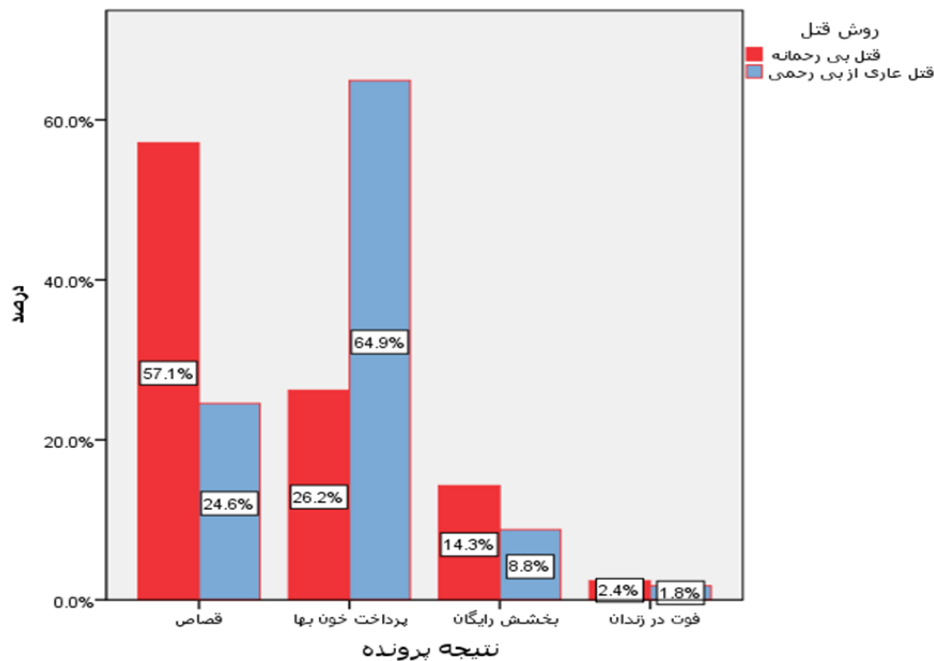
۴.۲. ارتباط شیوه قتل با تصمیم اولیای دم

از میان ۱۰۰ پرونده مطالعه شده، در ۹۹ پرونده شیوه قتل با توجه به شاخص‌های تعیین شده مشخص است.

جدول شماره ۵: تصمیم اولیای دم بر حسب روش قتل

روش قتل / سرنوشت قاتل	قصاص	پرداخت خون بها	بخشش رایگان	فوت در زندان	داده معتبر
فراوانی	۲۴	۱۱	۶	۱	۴۲
درصد معتبر	% ۵۷/۱	% ۲۶/۲	% ۱۴/۳	% ۲/۴	% ۴۲/۴
فراوانی	۱۴	۳۷	۵	۱	۵۷
درصد معتبر	% ۲۴/۶	% ۶۴/۹	% ۸/۸	% ۱/۸	% ۵۷/۶
فراوانی کل	۳۸	۴۸	۱۱	۲	۹۹
درصد کل	% ۳۸/۴	% ۴۸/۵	% ۱۱/۱	% ۲	% ۱۰۰
سطح معناداری					۰/۰۰۲

نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی تصمیم اولیای دم برحسب بی رحمانه بودن یا نبودن قتل:



اطلاعات جدول شماره ۵ و نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد که از میان ۹۹ داده معتبری که در مورد قتل وجود دارد، در ۴۲/۴ درصد، قتل‌ها با توجه به شاخص‌های در نظر گرفته شده، توأم با بی‌رحمی و در ۵۷/۶ درصد غیربی‌رحمانه بوده است که موارد قتل بی‌رحمانه قابل توجه است. همچنین اطلاعات جدول شماره ۵ حاکی از این مطلب است که در بیش از ۵۷/۱ درصد، پرونده به قصاص منتهی شده و در مواردی که قتل غیر بی‌رحمانه بوده، در ۶۴/۹ درصد، پرونده به دریافت خون‌بها و در ۸/۸ درصد نیز به بخشش رایگان انجامیده است.

شایان ذکر است، مقدار سطح معناداری مندرج در جدول که $p=0/002$ است، نشان می‌دهد که ارتباط معناداری میان شیوه قتل و تصمیم اولیای دم وجود دارد؛ با این توضیح که قتل بی‌رحمانه یکی از فاکتورهای تصمیم‌گیری اولیای دم در مورد قاتلان عمدی بوده که در بیش از نیمی از پرونده‌ها، پرونده را به سمت قصاص رهنمون کرده است. حال آنکه در قتل‌های غیربی‌رحمانه، تمایل بیشتری به دریافت خون‌بها و بخشش رایگان وجود داشته است.

آنچه از یافته‌های این جدول استنباط می‌شود، این است که در مواردی که قاتل وسیله قتاله‌ای نظیر قمه و شمشیر را به کار برده، ضربات متعددی را به مقتول وارد کرده و در مواردی که قتل همراه با آزار جنسی مقتول بوده و در نهایت در مواردی که قاتل به قتل اکتفا نکرده و اقدامی شنیع و منزجرکننده را بر جسد مقتول روا داشته، گرایش اولیای دم به قصاص، به نحو قابل توجهی افزایش داشته است. برعکس در مواردی که قتل از میزان خشونت کمتری درباره مقتول برخوردار بوده است، اولیای دم تمایل بیشتری به انصراف از قصاص از خود نشان داده‌اند؛ چراکه ماهیت وحشیانه و نفرت‌انگیز این اعمال به شدت احساسات اولیای دم را جریحه‌دار می‌کند، ضمن اینکه حکایت از حالت خطرناک مرتکب دارد و به همین جهت این خوف وجود خواهد داشت که با بخشش چنین فردی، افراد دیگری در معرض این بزه‌دیدگی قرار گیرند. اگرچه در نظام کیفری ایران به تبعیت از منابع فقهی مجازات قصاص برای تمامی انواع قتل ثابت دانسته شده است، در عمل مشاهده می‌شود که درجه و شدت بی‌رحمی و خشونت در فعل ارتكابی، بر تصمیم اولیای دم تأثیرگذار است. از طرفی به کارگیری ابزار خشن و ضدانسانی نظیر قمه و شمشیر و وارد کردن ضربات متعدد که آسیب

بیشتری را بر بدن مقتول وارد می‌کند، از دیگر عوامل تأثیرگذار بر تصمیم اولیای دم بوده است. یافته‌های پژوهش سراج‌زاده نیز تأیید می‌کند که شهروندان بیشتر در مورد جرایمی حساسیت دارند که آسیب‌های شدید جسمانی و قابل رؤیت بر بدن قربانی وارد می‌آورد.^۱ خشونت نهفته در تعرض و تجاوز جنسی از دیگر موجبات عدم تسامح درباره قاتلان بوده است. شماری از پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص میزان کیفرگرایی افکار عمومی نسبت به جرم تجاوز به عنف، نتایج این پژوهش را تأیید می‌کنند. به عنوان نمونه در تحقیقی که میرسعیدی و جوادی حسین آبادی انجام داده‌اند، تمایل افکار عمومی برای تحمیل مجازات شدید درباره مرتکبان جرایم جنسی به عنف تأیید شده است.^۲

۴.۳. ارتباط سبق تصمیم قاتل با تصمیم اولیای دم

قبل از ورود به بحث ارتباط سبق تصمیم قاتل با تصمیم اولیای دم، به نظر می‌رسد توضیح مفهوم «سبق تصمیم»^۳ لازم و ضروری می‌نماید. در حقوق کیفری ایران، قانون‌گذار تعریفی از سبق تصمیم ارائه نکرده است، اما قانون فرانسه در ماده ۷۲-۱۳۲ سوءنیت پیشینی یا به عبارتی سبق تصمیم را چنین تعریف کرده است: «سبق تصمیم یا طرح‌ریزی از قبل، عبارت از طرح شکل گرفته، قبل از اقدام به ارتکاب یک جنایت یا جنحه معین». به عبارت دیگر، برای سبق تصمیم باید مجموعه افعالی وجود داشته باشد که نشان دهد «قصد ارتکاب جرم» و سرانجام «اراده عملی»، مدتی قبل از وقوع عنصر مادی به خوبی شکل گرفته و در عالم خارج ظهور کرده است.^۴ در نظام کیفری ایران، تفاوتی میان وجود و فقدان سبق تصمیم نیست و هر دو، تحت شرایط مقرر در قانون مجازات اسلامی، منتهی به حکم قصاص خواهند شد. مسئله مورد بررسی این است که در جایی که تصمیم‌گیرنده اولیای دم پرونده‌اند، آیا الزاماً در قتل‌هایی که قاتل دارای سبق تصمیم بوده است، اولیای دم تمایل بیشتری به قصاص نشان داده‌اند؟

جدول شماره ۶: تصمیم اولیای دم بر حسب سبق تصمیم

وجود یا فقدان سبق تصمیم / سرنوشت قاتل	قصاص	پرداخت خون بها	بخشش رایگان	فوت در زندان	داده معتبر
فراوانی درصد معتبر	۱۵ ٪ ۵۰	۱۱ ٪ ۳۶/۷	۳ ٪ ۱۰	۱ ٪ ۳/۳	۳۰ ٪ ۳۰
فقدان سبق تصمیم درصد معتبر	۲۳ ٪ ۳۲/۹	۳۸ ٪ ۵۴/۳	۸ ٪ ۱۱/۴	۱ ٪ ۱/۴	۷۰ ٪ ۷۰
فراوانی و درصد کل درصد کل	۳۸ ٪ ۳۸	۴۹ ٪ ۴۹	۱۱ ٪ ۱۱	۲ ٪ ۲	۱۰۰ ٪ ۱۰۰
سطح معناداری	۰/۳۳۷				

^۱ Serajzadeh, SeyedHossein. (2008). "Social determinants of the seriousness of crime: an examination of a Muslim sample", *Social Compass*, 55, no. 4, p 543.

^۲ میرسعیدی، سیدمنصور و حسین جوادی حسین آبادی، *بررسی تناسب بین جرم و مجازات*، مطالعه موردی (دانشجویان دانشگاه اصفهان)، علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی، مجموعه مقالات نكوداشت سیلویا تلنباخ، به کوشش: دکتر حسین غلامی، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.

^۳ Premeditated murder

^۴ رضوی فرد، بهزاد، *کیفیات مشدده در فرایند کیفردهی جنایات بین‌المللی*، مجله پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، ۱۳۹۳، شماره ۶.

داده‌های جدول شماره ۶ حاکی از این مطلب است که از ۱۰۰ دادۀ معتبری که در زمینه سبقتصمیم یا عدم سبقتصمیم قاتلان وجود دارد، در ۳۰ درصد موارد قاتل دارای سبقتصمیم و در ۷۰ درصد قاتل فاقد سبقتصمیم بوده است. همان‌طور که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، در مواردی که قاتل دارای سبقتصمیم بوده، دقیقاً در نیمی از پرونده‌ها قاتل قصاص شده و در ۴۶/۷ درصد در مجموع، پرونده منتهی به دریافت خون‌بها و بخشش رایگان شده است. در پرونده‌هایی که قتل بدون سبقتصمیم صورت گرفته است، در ۶۵/۷ درصد در مجموع اولیای دم از قصاص انصراف داده و صرفاً در ۳۲/۹ درصد، قاتل را قصاص کرده‌اند. اگرچه در مواردی که سبقتصمیم وجود داشته، نسبت به مواردی که سبقتصمیم وجود نداشته است، قاتلان به میزان بیشتری مورد قصاص قرار گرفته‌اند و موارد انصراف از قصاص در مورد قاتلانی که فاقد سبقتصمیم بوده‌اند، بیشتر از قاتلانی بوده است که دارای سبقتصمیم بوده‌اند؛ لیکن با توجه به مقدار سطح معنادار مندرج در جدول، که $p=۰/۳۳۷$ است، به لحاظ آماری میان سبقتصمیم قاتل و تصمیم اولیای دم ارتباط معناداری مشاهده نشده است.

۴.۴. ارتباط وقوع قتل در حین نزاع دسته‌جمعی با تصمیم اولیای دم

ابتدا، روشن شدن مفهوم نزاع دسته‌جمعی ضروری به نظر می‌رسد. در تعریفی از نزاع دسته‌جمعی این‌گونه آمده است: «نزاع جمعی به‌عنوان ناسازگاری اهداف یا ارزش‌های بین دو یا گروه بیشتری در یک رابطه اجتماعی تعریف می‌شود که با تلاش برای کنترل دیگران و احساسات متخاصم به همدیگر همراه است.^۱ در تعریف دیگری از نزاع دسته‌جمعی چنین آمده است: «نزاع عبارت است از کشمکش مشهود و مستقیماً قابل‌روئیت، حداقل بین دو نفر یا کشمکش بین افراد یا جمعی بر سر ارزش‌ها، ادعا، وضعیت، قدرت و یا منابع کمیاب است که در آن، گروه درگیر در نزاع از برتری ارزش یا ادعاهای خود حمایت می‌کند.^۲ آنچه در این قسمت از مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، این مطلب است که آیا وجود یا فقدان منازعه دسته‌جمعی در حین قتل می‌تواند در تصمیم اولیای دم در مورد قاتلان عمدی تأثیرگذار باشد یا خیر؟

جدول شماره ۷: تصمیم اولیای دم بر حسب وجود یا فقدان نزاع دسته‌جمعی

نزاع دسته‌جمعی / سرنوشت قاتل		قصاص	پرداخت خون‌بها	بخشش رایگان	فوت در زندان	داده معتبر
وجود نزاع دسته‌جمعی	فراوانی	۷	۷	۰	۰	۱۴
	درصد معتبر	٪۵۰	٪۵۰	۰	۰	٪۱۴
فقدان نزاع دسته‌جمعی	فراوانی	۳۱	۴۲	۱۱	۲	۸۶
	درصد معتبر	٪۳۶	٪۴۸/۸	٪۱۲/۸	٪۲/۳	٪۸۶
فراوانی و درصد کل	فراوانی کل	۳۸	۴۹	۱۱	۲	۱۰۰
	درصد کل	٪۳۸	٪۴۹	٪۱۱	٪۲	۱۰۰
سطح معناداری						۰/۴۳۴

^۱. Fitcher, Ron, *Sources of Conflict and Methods of conflict, Resolution, International Peace and Conflict Resolution School of International Service, The American University, c. 1677, Rev. 1625, 2000.*

38. Green, David A. (2009), "Feeding Wolves: Punitiveness and Culture", *European journal of Criminology*, Vol. 6 (6), pp 459-480.

^۲. بیرو، آن، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۵، ص ۴۵۶.

داده‌ها نشان می‌دهد که از ۱۰۰ داده معتبر در مورد این فاکتور، در ۱۴ درصد موارد قتل در اثر نزاع دسته‌جمعی صورت گرفته و در ۸۶ درصد نزاع دسته‌جمعی در بین نبوده است که میزان نزاع دسته‌جمعی در نمونه آماری میزان قابل توجهی است. اگرچه آمار مندرج در جدول گویای این مطلب است که قتل‌هایی که در جریان نزاع دسته‌جمعی رخ داده، نسبت به قتل‌هایی که در حین نزاع دسته‌جمعی اتفاق نیفتاده، در موارد بیشتری به قصاص منتهی شده است و تمامی موارد بخشش رایگان مربوط به قتل‌هایی است که در حین نزاع دسته‌جمعی صورت نگرفته است، لیکن با توجه به مقدار سطح معنادار مندرج در جدول، که $p=0/434$ است، میان وقوع نزاع دسته‌جمعی یا فقدان آن با تصمیم اولیای دم ارتباط معناداری مشاهده نشده است.

نتیجه‌گیری

در نظام کیفری ایران، در برخی موارد از جمله جرایم علیه تمامیت جسمانی، اختیار تعیین عکس‌العمل در مقابل بزه ارتكابی به دستان بزه‌دیده و نزدیکان وی سپرده می‌شود و نظام رسمی کیفری نقش کم‌رنگی ایفا می‌کند. در این پژوهش تلاش شد که ارتباط میان چگونگی و شرایط پیرامونی قتل، از جمله روش قتل، وجود و فقدان سبق تصمیم و همچنین وجود یا فقدان نزاع دسته‌جمعی با تصمیم اولیای دم مورد بررسی قرار گیرد. در واقع مسئله مورد بحث در این پژوهش این بود که آیا میزان کیفرگرایی اولیای دم در پرونده‌های قتل عمد می‌تواند متأثر از چگونگی و شرایط پیرامونی قتل عمد باشد؟ داده‌های حاصل از مطالعه پرونده‌ها نشان داد که میان کیفیت ارتكاب قتل با تصمیم اولیای دم ارتباط معنادار وجود دارد. توضیح اینکه در مواردی که قتل با توجه به شاخص‌های در نظر گرفته شده، همچون استفاده از قمه و شمشیر، وارد کردن بیش از دو ضربه، آزار جنسی مقتول و سوزاندن و بریدن اعضای جسد، بی‌رحمانه محسوب شده، بیش از نیمی از پرونده‌ها منتهی به قصاص شده و همچنین در مواردی که قتل شامل این شاخص‌ها نبوده و به عبارتی بی‌رحمانه محسوب نشده، تمایل زیادی به دریافت خون‌بها و بخشش رایگان وجود داشته است.

بدیهی است در این پژوهش، این تصور و ادعا وجود نداشته است که به شکل مطلق، شیوه قتل، تنها عامل مرتبط با تصمیم اولیای دم است؛ چراکه در این صورت باید تمام قتل‌های بی‌رحمانه منتهی به قصاص می‌شده است، بلکه فراوانی بالای قصاص در قتل‌های بی‌رحمانه و فراوانی بالای پرداخت خون‌بها و بخشش رایگان در قتل‌های غیربی‌رحمانه، حاکی از اهمیت این عامل در تصمیم اولیای دم دارد.

بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها همچنین نشان داد که با توجه به سطح معنادار به دست آمده میان وجود و فقدان سبق تصمیم قاتل با تصمیم اولیای دم ارتباط معناداری وجود ندارد؛ اگرچه در مواردی که سبق تصمیم وجود داشته، نسبت به مواردی که سبق تصمیم وجود نداشته است، قاتلان به میزان بیشتری مورد قصاص قرار گرفته‌اند و قاتلانی که فاقد سبق تصمیم بوده‌اند، در موارد بیشتری نسبت به قاتلان دارای سبق تصمیم با پرداخت خون‌بها و بخشش رایگان از طناب دار نجات یافته‌اند.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها همچنان نشان داد که با توجه به مقدار سطح معنادار به دست آمده، ارتباطی میان وجود و فقدان نزاع دسته‌جمعی با تصمیم اولیای دم وجود ندارد.

می‌توان نتیجه گرفت از منظر اولیای دم، که بزه‌دیده غیرمستقیم جرم قتل عمد محسوب می‌شوند، در مواردی که رفتار ارتكابی مرتکب واجد اوصافی بوده که در مجموع رفتار وی را شنیع‌تر و بی‌رحمانه‌تر کرده و حاکی از قساوت قلب مرتکب بوده است، متأثر از اخلاق تنبیهی، نسبت به رفتار وی، عکس‌العمل شدیدتری ابراز شده و در واقع شدت جرم ارتكابی یکی

از ملاک‌هایی بوده است که اولیای دم برای تعیین مجازات قاتل، آن را مدنظر قرار داده‌اند؛ حال آنکه در قتل‌هایی که اولیای دم تألمات روحی کمتری متحمل شده‌اند، عذوفت بیشتری نشان داده و به سمت دریافت خون‌بها پیش رفته و حتی در مواردی قاتل را مورد بخشش رایگان قرار داده‌اند.

یافته‌های حاصل از بررسی متغیر سبب تصمیم، که حاکی از عدم وجود ارتباط آماری میان این متغیر و تصمیم اولیای دم است، نکته قابل تأملی را به ذهن متبادر می‌کند و آن نکته این است که طراحی و برنامه‌ریزی قاتل در ارتکاب جرم قتل عمد، تصمیم اولیای دم را متأثر نکرده است؛ به عبارت دیگر اینکه قاتل در یک حادثه و به‌طور ناگهانی مرتکب قتل شده، با اینکه مقدمات ارتکاب جرم را از قبل آماده کرده و با نقشه و طرح قبلی مبادرت به ارتکاب جرم کرده، از منظر اولیای دم، عامل مهمی در تصمیم‌گیری نبوده است و این امر می‌تواند موجب به صدا درآمدن زنگ خطری باشد، مبنی بر اینکه آنجا که واکنش در مقابل جرم به بزه‌دیده و نزدیکان وی سپرده می‌شود، ممکن است واکنش اندیشمندانه و متناسب با رفتار ارتكابی اتخاذ نشود و در واقع آنچه عدالت قضایی است محقق نشود؛ چه بسا که قتل با سبب تصمیم با واکنشی سهل‌تر و قتل فاقد سبب تصمیم با عکس‌العمل شدیدتری مواجه شود. مشابه این امر را می‌توان در مورد متغیر نزاع دسته‌جمعی نیز مطرح کرد.

البته باید به این امر اذعان کرد که برای حصول به درک واقع‌بینانه‌ای از آنچه در پرونده‌های قتل عمد رخ می‌دهد، به علت پیچیدگی و چندبعدی بودن، موضوع از منظر عوامل متعددی باید مورد بررسی قرار بگیرد که از جمله این عوامل می‌توان به اوصاف و ویژگی‌های مربوط به قاتلان، نظیر سن، جنسیت، تابعیت، درجه رابطه خویشاوندی با مقتول و اوصاف، اوصاف مربوط به مقتولان، اوصاف مربوط به خود اولیای دم، نظیر درجه رابطه خویشاوندی آن‌ها با مقتول، جنسیت، باور مذهبی، تعصبات قومی و قبیله‌ای و به‌ویژه شرایط اقتصادی و اجتماعی طرفین درگیر در پرونده اشاره کرد که می‌توانند نقشی قابل توجه را در این تصمیم ایفا کنند؛ امری که مستلزم پژوهش‌های میدانی متعدد در این حوزه است و بذل توجه پژوهشگران را در این حوزه می‌طلبد.

منابع

کتاب

۱. استراوس، انسلم و کرین، جولیت، *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی، ۱۳۹۸.
۲. اکبری، عاطفه، *قانونگذاری مبتنی بر وقایع مجرمانه*، تهران: مجد، ۱۳۹۴.
۳. بیرو، آلن، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
۴. رحمدل، منصور، *تناسب جرم و مجازات*، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
۵. زهر، هوار، *عدالت ترمیمی*، حسین غلامی، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۶. ساروخانی، باقر، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی بینش و فنون*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات علوم فرهنگی تهران، ۱۳۸۷.
۷. ساعی ارسلی، ایرج، *مهارت‌های نوشتاری پژوهش در علوم اجتماعی*، تهران: بهمن برنا، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.
۸. سعدی‌پور، اسماعیل، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: دوران، ۱۳۹۶.
۹. غلامی، حسین، *کیفرشناسی: کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم*، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
۱۰. غلامی، حسین، *کیفرگرایی: مفهوم و گونه‌های آن*، در: حسین غلامی (به کوشش)، *علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی*، مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلنباخ، چاپ اول، تهران: میزان، ۱۳۹۵.

۱۱. غلامی، حسین، **کیفرگرایی: معیار و شاخص ها**، در: علی حسین نجفی ابرندآبادی (زیرنظر)، دایره المعارف علوم جنایی: کتاب چهارم علوم جنایی تجربی، ۱۳۹۸.
۱۲. کرس ول، جان دلبیو، **طرح پژوهش رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی**، علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی، ۱۳۹۸.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی، **دانشنامه جرم شناسی**، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۷.
۱۴. نیکوکار، حمیدرضا و بهار همت پور، **ترس از جرم**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۱۵. هابز، توماس، **لویاتان**، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
۱۶. هود، راجر و کرولین هویل، **مجازات مرگ**، فراز شهلائی، تهران: نگاه بینه، چاپ اول، ۱۳۹۱.

مقاله

۱۷. جعفری، احمد و سید حسین سراج زاده، **جرم و مجازات: مقایسه مجازات‌های اجتماعی پیشنهادی نمونه‌ای از دانشجویان با قوانین مجازات در ایران**، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، ۱۳۹۰، شماره ۵ و ۶.
۱۸. رضوی فرد، بهزاد، **کیفیات مشدده در فرایند کیفردهی جنایات بین المللی**، مجله پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، ۱۳۹۳، شماره ۶.
۱۹. سلیمانی میمندی و روح الامینی، نجمه، محمود امینی‌زاده، و حمید امینی‌زاده، **بررسی قتل عمد در حقوق ایران و کانادا**، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره پنجم، ۱۳۹۸، شماره ۴۹.
۲۰. شیری، عباس، **حق بزه دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن**، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۷، شماره ۸۱.
۲۱. غلامی، حسین، **الفاگرایی و کنترل جرم، تناقض در اصطلاحات**، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۷، صص ۳۲۴-۳۴۸.
۲۲. فرجیها، محمد، **بازتاب رسانه‌های جرم**، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ۱۳۸۵، شماره ۲۲.
۲۳. قاضی نژاد، مریم و مینا ذبیحی، **نسل و جدی‌انگاری جرم**، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، ۱۳۹۴، شماره ۱.
۲۴. کریمی منجمویی و علیرضا افشانی، **بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهر لردگان**، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دهم، ۱۳۹۷، شماره ۶.
۲۵. محمودی جانکی، فیروز و محسن مرادی حسن‌آبادی، **افکار عمومی و کیفرگرایی**، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، ۱۳۹۰، شماره ۲.
۲۶. مرادی، حسن و علی شهبازی، **عنصر معنوی قتل عمد در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**، مجله پژوهش حقوق کیفری، دوره ۴، ۱۳۹۴، شماره ۱۳.
۲۷. مرادی پسند، گلناز، تهمورث بشیریه و حسین غلامی دون، **بررسی تطبیقی جلوه‌های کیفرگرایی در نظام‌های حقوقی و تأثیر آن بر الگوهای کیفرزدا**، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، دوره چهاردهم، ۱۴۰۰، شماره ۵۱، صص ۱۹۷-۲۱۵.
۲۸. مهرا، نسرین، **تأثیر مشخصه‌های جرم بر تعیین مجازات**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۸، ۱۳۹۸، صص ۸۳-۶۳.
۲۹. میرسعیدی، منصور و حسین محمد کوره‌پز، **نقش رهبران سیاسی - اجتماعی در سطح کیفرگرایی عمومی (مطالعه موردی کیفر مرگ)**، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴۹، ۱۳۹۸، شماره ۱.
۳۰. نورپور، محسن، عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی و سید محمد جواد ساداتی، **تأثیر جنسیت بر میزان گرایش به اجرای مجازات‌های شدید جسمانی (مطالعه موردی: شهرستان مشهد)**، مجله پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، ۱۳۹۹، شماره ۳۰.

۳۱. نورپور، محسن، عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی و سید محمد جواد ساداتی، تحلیل جامعه‌شناختی تعامل میان سیاست کیفری رسمی و وجدان تنبیهی وجدان جمعی (مطالعه موردی افکار عمومی شهرستان مشهد در مجازات های شدید بدنی)، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴۹، ۱۳۹۸، شماره ۲.
۳۲. نیکوکار، حمیدرضا، شهلا معظمی و پروین ستار، مطالعه تطبیقی الگوهای بازنمایی بزهکاری در مطبوعات ایران و آلمان با تأکید بر کیفرگرایی، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۵۰، ۱۳۹۹، شماره ۲.
۳۳. نیکوکار، حمیدرضا، مژگان امراللهی بیوکی و مهدی برزگر، نقش ترس از جرم بر اجرای علنی مجازات مرگ با تأکید بر نقش رسانه ها (مطالعه موردی اعدام قاتل روح الله داداشی)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال هشتم، ۱۳۹۲، شماره ۲۶.

References

Books

1. Akbari, Atefeh. *Legislation Based on Criminal Events*. Tehran: Majd, 2015. (in Persian)
2. Birou, Alan. *Culture of Social Sciences*. Translated by Baqer Sarukhani. Tehran: Keyhan, 1996. (in Persian)
3. Creswell, John W. *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. Translated by Alireza Kiamanesh and Maryam Danay Tavas. Tehran: Jihad Daneshgahi Publications, Allameh Tabatabai University, 2019. (in Persian)
4. Fitcher, Ron, *Sources of Conflict and Methods of conflict, Resolution, International Peace and Conflict Resolution School of International Service, The American University, c. 1677, Rev. 1625*.
5. Gholami, Hossein. *Criminology: General Principles and Criminal Response Foundations*. Tehran: Mizan, 2016. (in Persian)
6. Gholami, Hossein. *Penology: Concepts and Types*. In: Hossein Gholami (Ed.), *Comparative Criminal Sciences in the Light of International Cooperation: A Collection of Articles Honoring Dr. Sylvia Tellenbach*. 1st ed., Tehran: Mizan, 2016. (in Persian)
7. Gholami, Hossein. *Penology: Criteria and Indicators*. In: Ali Hossein Najafi Abrand Abadi (Ed.), *Encyclopedia of Criminal Sciences: Volume Four of Experimental Criminal Sciences*. 2019. (in Persian)
8. Hobbes, Thomas. *Leviathan*. Translated by Hossein Beshirieh. Tehran: Nashr Ney, 2006. (in Persian)
9. Holland Winifred. *Homicide law in Comparative Perspective: Murder and Related Issues: An Analysis of the Law in Canada*. Published in North America (US and Canada) by Hart Publishing. C/o International Specialized Book Services, 920 NE 58th Avenue, Suite 300, Portland, OR 97213-3786, The editor and contributors severally, 2007.
10. Hood, Roger & Caroline Hoyle. *The Death Penalty*. Translated by Faraz Shahlaei. Tehran: Negah Bineh, 1st ed., 2012. (in Persian)
11. Kutateladze, Besiki, *Measuring State Punitiveness in the United States, in: Kury, Helmut and Shea, Evelyn, Punitivity: International Developments*, vol 1, Universitätsverlag Dr. N. Brockmeyer, 2011.
12. Najafi Abrand Abadi, Ali Hossein & Hamid Hashemi Beigi. *Encyclopedia of Criminology*. Tehran: Ganj Danesh, 2018. (in Persian)
13. Nikoukar, Hamid Reza & Bahar Hemmatpour. *Fear of Crime*. Tehran: Mizan, 1st ed., 2012. (in Persian)
14. Rahmandel, Mansoor. *The Proportionality of Crime and Punishment*. Tehran: Samt, 3rd ed., 2015. (in Persian)
15. Saadi Pour, Ismail. *Research Methods in Psychology and Educational Sciences*. Tehran: Douran, 2017. (in Persian)

16. Saei Arsi, Iraj. *Writing Skills in Social Science Research*. Tehran: Bahman Borna, 5th ed., 2016. (in Persian)
17. Sarukhani, Baqer. *Research Methods in Social Sciences: Insights and Techniques*. Tehran: Publications of the Research Institute for Humanities and Cultural Studies, 2008. (in Persian)
18. Strauss, Anselm & Corbin, Juliet. *Basics of Qualitative Research*. Translated by Ebrahim Afshar. Tehran: Nashr Ney, 2019. (in Persian)
19. Zahr, Howard. *Restorative Justice*. Translated by Hossein Gholami. Tehran: Majd, 1st ed., 2004. (in Persian)

Articles

20. Adriaensse, An, Aertsen, Ivo, "Punitive attitudes: Towards an operationalization to measure individual punitivity in a multidimensional way", *European Journal of Criminology*, Vol. 12(1), 2014.
21. CORNU, Gérard. *Legal Vocabulary*, Puf, 2005. (in French)
22. Farajhia, M. "Media Reflection of Crime". *Scientific-Research Quarterly Journal of Social Welfare*, Vol. 6, 2006, No 22. (in Persian)
23. Ghassemi, Ghassem. "Criminal punishment in Islamic societies: empirical study of attitudes to criminal sentencing in Iran", *European Journal of Criminal Policy and Research*, vol. 15, 2009.
24. Ghazi Nejad, M & Zibahi, M "Generational and Historical Perspectives on Crime". *Journal of Social Issues in Iran*, Vol. 6, 2015, No 1. (in Persian)
25. Gholami, H. "Penology and Crime Control: Terminological Contradictions". **Journal of Law and Politics Research**, 2008. (in Persian)
26. Jafari, A & Sarajzadeh, S H, "Crime and Punishment: Comparing Proposed Social Punishments with Iranian Penal Laws". *Journal of Social Issues in Iran*, Vol. 2, 2011, No 5 & 6. (in Persian)
27. Karimi M & Afshani, A "Examination of Social Factors Affecting Collective Disputes in Lordegan". *Quarterly Journal of Social Order*, Vol. 10, 2018, No 6. (in Persian)
28. Kury, Helmut; Ferdinand, Theodore N. & Obergfell-Fuchs, Joachim (2002), "Does severe punishment mean less criminality?", *International Criminal Justice Review*, Vol. 13, 2002, pp 110–148.
29. Mahmoudi Janki, F & Moradi Hassanabadi, M, "Public Opinion and Penology". *Journal of Legal Studies*, Vol. 3, 2011, No 2. (in Persian)
30. Mehra, N. "The Impact of Crime Characteristics on Determining Punishment". *Quarterly Journal of Legal Research*, No. 88, 2019. (in Persian)
31. Mirsaiidi, M & Mohammad Kurehpaz, H "The Role of Political-Social Leaders in General Penology (Case Study of the Death Penalty)". *Journal of Legal Studies and Criminology*, Vol. 49, 2019, No 1. (in Persian)
32. Moradi Pasand, G, Beshirieh, T & Gholami Don, H "Comparative Study of Penology Aspects in Legal Systems and Its Impact on Crime Reduction Patterns". *Scientific Quarterly Journal of Free Legal Research*, Vol. 14, 2021, No 51. (in Persian)
33. Moradi, H & Shahbazi, A "The Mental Element of Intentional Murder in the Islamic Penal Code of 2013". *Journal of Criminal Law Research*, Vol. 4, 2015, No 13. (in Persian)
34. Nikoukar, H R, Amrollahi Biouki, M & Barzegar, M, "The Role of Fear of Crime on the Public Execution of the Death Penalty with Emphasis on Media Role (Case Study: Execution of the Murderer Rouhollah Dadashi)". *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies*, Vol. 8, 2013, No 26. (in Persian)
35. Nikoukar, H R, Moazami, SH & Setar, P "Comparative Study of Crime Representation Models in Iranian and German Media with Emphasis on Penology". *Journal of Legal Studies and Criminology*, Vol. 50, 2020, No 2. (in Persian)

36. Nourpoor, M, Javan-Jafari Bojnourdi, A & Javad Sadati, S M "The Effect of Gender on the Tendency to Implement Severe Physical Punishments (Case Study: Mashhad)". *Journal of Criminal Law Research*, Vol. 8, 2020, No 30. (in Persian)
37. Nourpoor, M, Javan-Jafari Bojnourdi, A Javad Sadati, S M "Sociological Analysis of Interaction between Formal Penal Policy and Collective Conscience (Case Study: Public Opinion in Mashhad on Severe Physical Punishments)". *Journal of Legal Studies and Criminology*, Vol. 49, 2019, No 2. (in Persian)
38. Rezvifard, B. "Aggravating Circumstances in the Process of International Criminal Prosecution". *Journal of Criminal Law Research*, Vol. 2, 2014, No 6. (in Persian)
39. Serajzadeh, SeyedHossein. "Social determinants of the seriousness of crime: an examination of a Muslim sampl", *Social Compass*, 55, 2008, no. 4.
40. Shiri, A. "The Victim's Right in Determining and Executing Punishment". *Quarterly Journal of Judicial Perspectives*, 2018, No 81. (in Persian)
41. Soleimani Mimandi, N, Aminizadeh, M & Aminizadeh, H, "Review of Intentional Murder in Iranian and Canadian Law". *International Journal of Nations Research*, Vol. 5, 2019, No 49. (in Persian)

*This page is intentionally
left blank.*